

عنوان مقاله:

دیدگاه فلاسفه اسلامی در مورد تولد خود به خودی موجودات زنده

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه علم، دوره 12، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

سعید انواری - دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

در طب و طبیعیات قدیم این دیدگاه پذیرفته شده بود که موجودات زنده می توانند بدون زاد و ولد، مستقیماً از طریق امتزاج عناصر چهارگانه و دریافت صورت از مبادی خود پدید بیایند. بر این اساس معتقد بودند که برخی از حیوانات می توانند از جمادات و یا از بدن انواع دیگری از موجودات زنده پدید بیایند که از نظر نوع با آنها متفاوت هستند. به عنوان مثال از گل و لای، موش و از یونجه، عقرب و از گوشت فاسد شده، مگس پدید می آید. این نوع پدید آمدن جانداران را «تولد» نامیده اند که در مقابل «توالد» قرار دارد که ناشی از فعالیت قوه مولده موجودات زنده است. این دیدگاه که در آثار ارسطو نیز مطرح شده است، مورد پذیرش ابن سینا بوده و پس از وی نیز در میان فلاسفه اسلامی رواج داشته است. این دیدگاه کاربردهای مختلفی در فلسفه اسلامی داشته است که عبارتند از: ۱. تخیلی نبودن داستان های سلامان و ابدال و حی بن یقظان؛ ۲. تبیین نحوه پدید آمدن موالید ثلاث (جماد، نبات و حیوان) بر روی کره زمین؛ ۳. دیدگاه مکمل بر نظریه دور و کور؛ ۴. تبیین نحوه حفظ انواع؛ ۵. مثالی از امور اتفاقی؛ ۶. دلیلی بر وجود عقل مفارق؛ ۷. شاهی بر قابل تحقق بودن برخی از وقایع نادر دینی؛ ۸. شاهی بر امکان معاد. دیدگاه تولد خود به خودی موجودات نهایتاً در زیست شناسی جدید در قرن نوزدهم توسط آزمایش های لویی پاستور ابطال گردید. در این مقاله با تجزیه و تحلیل مبانی و دلایل پذیرش این نظریه، کاربردهای آن در فلسفه اسلامی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی:

تولد خود به خودی، توالد، طبیعیات قدیم، ابن سینا، طب، خلق الساعه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1740685>

